

پارلمان اروپا موضوع تروریستی خواندن سپاه و حمایت از معترضان در ایران را تصویب کرد



راديو بين المللى فرانسه - به زبان فارسى

نمایندگان پارلمان اروپا روز پنجشنبه به اتفاق آرا به پیشنهاد قطعنامه‌ای رأی مثبت دادند که در آن از شورای اروپا خواسته شده ضمن حمایت از خیزش مردمی جاری در ایران و محکومیت سرکوب‌ها، تحریم‌های بیشتری را علیه جمهوری اسلامی تصویب کرده و نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در سیاهه گروه‌های تروریستی قرار دهد.

عنوان متن پیشنهادی نمایندگان اروپا که از روز دوشنبه در پارلمان به بحث گذاشته شده بود، «قطعنامه پارلمان اروپا درباره واکنش اتحادیه اروپا به اعتراضات و اعدام‌ها در ایران» است.

از ۵۴۵ نماینده حاضر در رأی‌گیری در نشست امروز پارلمان اروپا، ۳۱۳ نفر به این قطعنامه رأی مثبت دادند.

هانا نویمن، یکی از نمایندگان آلمان در پارلمان اروپا که در روزهای اخیر شدیداً از این لایحه پیشنهادی و در مجموع از خیزش مردمی ایران حمایت کرده است، بعد از ظهر پنجشنبه در توییتی نوشت:

پارلمان اروپا قطعنامه (مربوط به) ایران را با اکثریت قاطع آرا تصویب کرد و خواستار افزودن نام سپاه به سیاهه گروه‌های تروریستی و افزایش تحریم‌ها و نیز پشتیبانی از معترضان در ایران و حفاظت از ایرانیان خارج از کشور شد

در متن این قطعنامه ضمن اشاره به وضعیت «بحرانی» نقض حقوق بشر در ایران و یادآوری موارد «نظام‌مند» سرکوب «وحشیانه»، ارباب، شکنجه و اعتراف‌گیری و نیز خطر اعدام چندین تن از معترضان نوشته شده در حالی که نهادهای بین‌المللی و اروپایی بارها از مقامات ایرانی خواسته‌اند که «فوراً» روند تأسفبار صدور و اجرای احکام اعدام معترضان را لغو کنند» اما باز هم حکومت ایران دو شهروند دیگر، یعنی محمدمهدی کرمی و سید محمد حسینی را در پیوند با اعتراضات اعدام کردند.

پارلمان اروپا در این قطعنامه از شورای اروپا خواسته است تا ضمن ممنوع کردن دسترسی به منابع مالی یا اقتصادی برای افراد و نهادهای ایرانی که در سرکوب خشونت‌بار معترضان یا در تهیه پهپادهای رزمی برای استفاده در «فعالیت‌های تروریستی» روسیه علیه اوکراین نقش داشته‌اند، یادآوری کرده است که سیاهه موجود افراد و نهادهای تحریم شده مجموعاً شامل ۱۲۶ فرد و ۱۱ نهاد است.

به نوشته پیشنهاددهندگان این قطعنامه، سیاهه تحریم‌های اتحادیه اروپا به ویژه شامل وزیر کشور ایران، احمد وحیدی، وزیر فناوری اطلاعات و ارتباطات، عیسی زارع پور، نیروی انتظامی ایران و سران استانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

نمایندگان اروپایی در این قطعنامه همچنین نوشته‌اند که در نوامبر ۲۰۲۲ پارلمان اروپا در واکنش به تحریم‌های اعلام شده از سوی جمهوری اسلامی علیه اتحادیه اروپا، تصمیم گرفت که هیأت‌ها و کمیته‌های پارلمانی اروپا را از تعامل با مقامات ایرانی باز دارد.

در این قطعنامه همچنین به «فعالیت‌های پیچیده، خشن و سرکوبگرانه فرامرزی» جمهوری اسلامی به ویژه از طریق سپاه کنشگران ایرانی در تبعید، مخالفان، روزنامه‌نگاران مستقل و مدافعان حقوق بشر را از جمله در خاک اتحادیه اروپا و همچنین خانواده آنها در ایران را مورد «تهدید، آزار و ترور» قرار داده است.

این قطعنامه همچنین به موارد ترور و ربودن مخالفان خارج کشور به دست جمهوری اسلامی به طور مستقیم یا از طریق عوامل محلی اشاره کرده و می‌گوید که این رژیم در چندین کشور از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا حملات بمبگذاری را طراحی کرده است.

در این قطعنامه همچنین با یادآوری تلاش رژیم ایران برای قطع و محدودسازی دسترسی به اینترنت نوشته شده است که سپاه پاسداران «به مثابه یک دولت در دولت عمل می‌کند» و دو سوم اقتصاد ایران از جمله دارایی‌های زیرساختی، پتروشیمی، مالی، مخابرات، خودروسازی و صنایع دریایی و همچنین تراست‌های حمایتی قابل‌توجهی را به نام «بنیاد» در اختیار داشته و «شبکه‌های قاچاق در مقیاس بزرگ» دارد و «عامل هدایت و کمک به فعالیت‌های تروریستی در سطح داخلی و منطقه‌ای» است.

در روزهای اخیر بحث‌های زیادی بر سر مهم‌ترین موضوع این قطعنامه، یعنی تروریستی خواندن سپاه درگرفته و برخی مسئولان عالیرتبه جمهوری اسلامی نیز به آن واکنش نشان دادند. از جمله حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در گفتگوی تلفنی با جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روز پنجشنبه در واکنش به بحث قطعنامه مورد نظر برای تروریستی اعلام کردن سپاه به شدت از این طرح انتقاد کرده و با «نسنجیده و نادرست» خواندن آن گفت که اروپا «در حال شلیک کردن به پای خودش است».

روز دوشنبه ایرانیان مقیم اروپا از شهرهای مختلف این قاره به استراسبورگ، مقر پارلمان اروپا رفتند و با برپایی تجمعی ۱۲ هزار نفری از نمایندگان اروپا خواسته بودند که با تصویب این

قطعنامه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را رسماً تروریستی اعلام کند.

در این تجمع که به همت برخی سیاستمداران اروپایی چون علیرضا آخوندی، نماینده ایرانی‌تبار پارلمان سوئد برگزار شد، روبرتا متسولا، رئیس پارلمان اروپا نیز حاضر شده و در یک سخنرانی، پشتیبانی خود از خیزش ایران را اعلام و کشتارها، سرکوب‌خشن و اعدام‌ها به دست جمهوری اسلامی را محکوم کرد.

برگرفته از ا ر اف ای (رادیو بین‌المللی فرانسه به زبان فارسی)

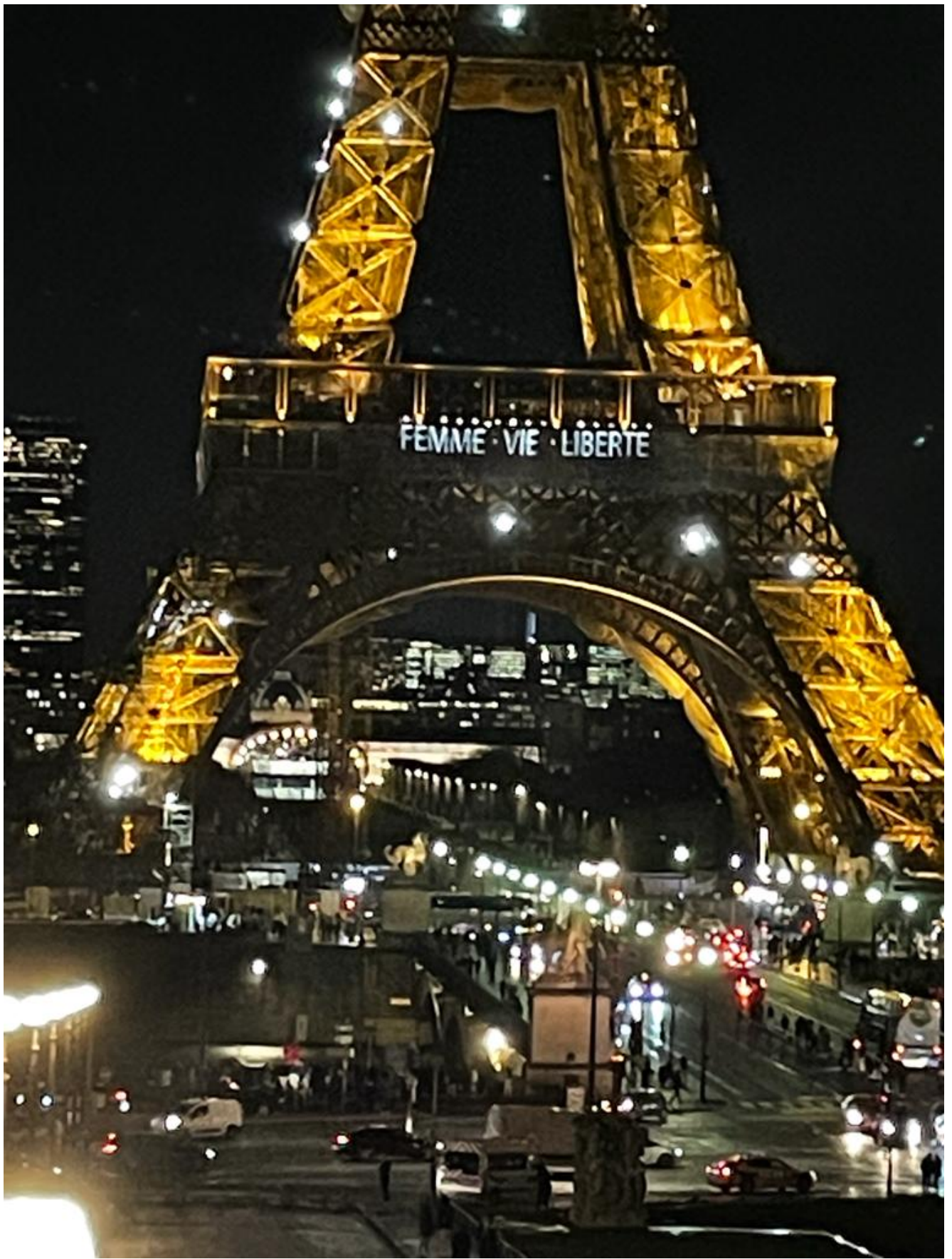
منتشر شده در 19/01/2023 - 14:15

نورافشانی برج ایفل با شعار زن زندگی آزادی

در همبستگی با خیزش انقلابی مردم
ایران

دوشنبه 16 ژانویه 2023 ساعت 19

با شرکت و سخنرانی شهردار پاریس، خانم هیدالگو،
و جمعی از ایرانی‌ها، فرانسوی‌ها و خارجی‌های آزادی
خواه مقیم پاریس.



گردهمایی 15 ژانویه 2023 در پاریس در همبستگی با خیزش انقلابی ایران



گردهمایی در پاریس
در همبستگی با خیزش انقلابی در ایران،

از طرف کلکتیوهای :

Femme azadi – Iran justice – Azadi 4 Iran – Neda d'Iran –
Action 4 Iran

Queers and feminists for iran liberation

روز یکشنبه ۱۵ ژانویه ۲۰۲۳ در میدان تروکادرو در پاریس و در صحن حقوق بشر آن، به دعوت چند کلکتیو ایرانی-فرانسوی، تظاهراتی ایستاده با شرکت تعدادی از نمایندگان مجلس ملی فرانسه و پارلمان اتحادیه اروپا برگزار شد.

جنبش جمهوری دموکرات و لائیک ایران با سه شعار
ایجابی خود :

نه به دیکتاتوری! آری به دموکراسی!

نه به دین سالاری! آری به لائیسیته!

نه به پادشاهی! آری به جمهوری!

در این تظاهرات شرکت کرد.

نمایندگانی از مجلس ملی فرانسه و پارلمان اروپا، که برخی از آن ها کفالت معترضین زندانی در ایران را بر عهده گرفته اند، در این گردهمایی همبستگی خود را با خیزش مردم ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اعلام نمودند.

آن ها اعلام کردند که در پارلمان اروپا برای قرار دادن سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در فهرست سازمان های تروریستی توسط اتحادیه اروپا اقدام خواهند کرد.

هم چنین نمایندگان مجلس ملی فرانسه از رئیس جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، خواستند که دولت فرانسه سفیر خود را از ایران فراخواند.

در زیر عکس ها و ویدئوهای از این گردهمایی را
مشاهده می کنید.







IRAN

IRAN

FEMME VIE LIBERTÉ

NON à la DICTATURE OUI à la DÉMOCRATIE

NON à la THÉOCRATIE OUI à la LAÏCITÉ

NON à la MONARCHIE OUI à la RÉPUBLIQUE

Mouvement des républicains démocrates et laïques d'Iran

IRAN



درباره‌ی خیزش مردمی در ایران و
رهبری آن



بیان نظر قطعی نسبت به رخداد در هنگامه‌ی شدنش، چون جنبشی که از شهریورماه 1401 در ایران آغاز شده است، کاری بس شتابزده و نابخردانه است. به قول هگل، جغد می‌نروا، این نماد الهی خرد و حکمت نزد رومیان، با غروب آفتاب است که بال‌های خود را برای پرواز می‌گستراند. معنای تمثیل این است که فلسفه تنها در تاریکیِ شب‌انگاه یعنی پس از وقوع رخداد است که می‌تواند دست به بررسی، نقد و بازبینی آن زند. اکنون اما، با گذشت بیش از صد روز از آغاز خیزش معروف به «سبز، سفید، قرمز» در ایران، زمان آن فرارسیده است که بتوانیم، با پذیرفتن همه‌ی مخاطرات ناشی از مشروط بودن هر گونه دآوری، نکاتی را در باره‌ی این مهم‌ترین خیزش بزرگ اجتماعی ایران در چهل سال گذشته در میان گذاریم.

1- خیزش یا انقلاب؟

بر جنبشی که در اعتراض به کشته شدن مهسا (ژینا) امنینی، از 26 شهریور در ایران آغاز شد و تا امروز بیش و کم با شدت ادامه دارد، چه نامی می‌توان گذارد: خیزش، قیام یا انقلاب؟ این مقوله‌ها همه در تئوری‌های سیاسی از جمله مارکسیستی، تعاریفی به دست آورده‌اند، اما همواره نیز ناروشن و پروبلماتیک باقی مانده‌اند. آن چه که مسلم است، با طرح خواست نابودی رژیم جمهوری اسلامی ایران، با سراسری شدن و تا حدود زیادی با گسترش دامنه‌ی مردمی آن، به نظر می‌رسد که خیزش 1401 می‌رود تا خصلت انقلابی به معنای تغییر کامل رژیم یا نظام به خود گیرد. لیکن هنوز زود است که از «انقلاب» بتوان سخن گفت. اما «خیزش انقلابی» بلکه بهتر بتواند نام جنبشی باشد که خواست اولیه و اصلی‌اش سرنگونی نظام است.

هم اکنون سه ماه از آغاز این خیزش مردمی و سراسری می‌گذرد. صدها نفر از معترضان خیابانی کشته شده‌اند، هزاران نفر از فعالان و معترضان دستگیر، زندانی و شکنجه شده‌اند، تعداد فراوانی محکوم به اعدام و برخی نیز به دار آویخته شده‌اند. با وجود سرکوب خونین رژیم، جنبش اعتراضی ادامه دارد اما نه به قوتِ ماه‌های اول خود. این وضعیت افول موقت البته می‌تواند گذرا باشد و ما دوباره با اوج مجدد و فراگیری خیزش اجتماعی رو به رو شویم.

پرسش اصلی اما این است: آیا خیزش مردمی از فاز اعتراضات

خیابانی و شبانه، که بیشتر جوانان رن و مرد را در برمی‌گیرد، از مرحله تظاهرات موضعی و اعتصابات محدود، گذر خواهد کرد و به مشارکت فعال و اعتصاب عمومی توده گسترده مردم در شهر و روستا تبدیل خواهد شد؟ در این صورت است که نیروی انبوه مردمِ اعتصابی و در خیابان قادر خواهد شد دستگاه سیاسی، اقتصادی و امنیتیِ رژیم که تا حدود زیادی همچنان منسجم و متحد است را بر هم ریزد و اوضاعی که انقلاب نامند را به وجود آورد.

ما امروز با رویدادی خودجوش روبه‌رو هستیم و عوامل بسیاری همچنان نامعلوم می‌باشند. اما یک چیز از هم اکنون مسلم است: اوضاع سیاسی و اجتماعیِ ایران دیگر نمی‌تواند به شرایط قبل از شهریور 1401 بازگردد. این جنبش ضد رژیمی و آزادی‌خواهانه توده‌های رنگارنگ و کثیری را به میدان آورده و مرحله‌ی نوینی از رشدِ آگاهی و پیکار برای کسب آزادی، دموکراسی و جدایی دولت و دین در ایران را گشوده است. خیزش کنونی، اگر به نتیجه‌ی انقلابی خود در سرنگونی رژیم نیانجامد، اما نوید شورش‌های بعدی در فاصله‌ی کوتاهی و سرانجام تعیین‌کننده را می‌دهد.

2- خیزش مردمی برای آزادی

خیزش اعتراضی کنونی در ایران نشان می‌دهد که خواست اصلی اکثریت بزرگ مردم و هدف سیاسی - اجتماعی کنونیِ آن‌ها، به دست آوردن آزادی و دموکراسی است. خواستی که امروزه در همه‌ی جنبش‌های میدانی در کشورهای تحت سلطه دیکتاتوری و استبداد، چون خواستی عمده، آشکارا مطرح می‌شود. این خواست را معترضینِ کفِ خیابان امروز در ایران با شعار نابود باد دیکتاتوری بر دیوارها می‌نویسند و روزها و شبها بر زبان می‌آورند.

خواست دموکراسی، با این که خودِ واژه به طور مشخص در شعارها آشکار نیست، اما جنبه اصلیِ آزادی‌خواهی را تشکیل می‌دهد. دموکراسی، در خطوط متعارف آن، این مقولات را در بر می‌گیرد: فعالیت آزاد جامعه مدنی؛ کثرت‌گرایی (پلورالیسم)؛ حکومت قانون و استقلال سه قوای اجرائی، قضایی و مقننه؛ جدایی دولت و دین؛ آزادی بیان و اندیشه؛ آزادی تشکل، تجمع، حزب و سندیکای مستقل؛ انتخابات آزاد، مجلس آزاد و مطبوعات آزاد، سرانجام از همه مهم‌تر مشارکت آزاد مردم در تعیین زندگی و سرنوشت خود. این‌ها هستند آن چه که امروز خیزش مردمی کنونی در ایران می‌خواهد و برای کسب آن، معترضینِ کفِ خیابان جان فدا می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های اصلی و متمایز خیزش کنونی نسبت به جنبش‌های گذشته در ایران، نقش بسیار برجسته زنان، جوانان، نوجوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان در آن است، که از اقشار و طبقات و ملیت‌های مختلف و از محلات مختلف در شهرها و شهرستان‌های بزرگ و کوچک ایران برخاسته‌اند. خواست و شعار اصلی اینان، رهایی از فشار و سلطه و تبعیض و امکان زندگی در آزادی است. سایر خواست‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی چون عدالت اجتماعی، برابری و معضلات معیشتی، صنفی، محیط زیستی، فقر، بیکاری، کم‌درآمدی، حقوق بازنشستگی، گرانی و غیره که در جنبش‌های اعتراضی سال‌های پیش مطرح می‌شدند، امروز نیز البته همچنان با شدت باز هم بیشتر به جای خود باقی مانده‌اند و طرح می‌باشند. اما این‌ها همه، به عنوان خواست‌های اقتصادی و صنفی، در پرتو یک خواست اصلی، تعیین‌کننده و راهنما قرار می‌گیرند که همانا کسب آزادی و دموکراسی در درجه نخست است.

3- خیزش علیه دین‌سالاری و ستم ملی

شورش کنونی در ایران، شعار «زن زندگی آزادی» را به پرچم نمادین خود تبدیل کرده است. این شعار مرکزی، ماهیت و هویت مبارزه کنونی علیه نظام جمهوری اسلامی با دو ویژگی اصلی یعنی دین‌سالاری و ستم ملی را نشان می‌دهد. زن‌ستیزی و تبعیض بر اقلیت‌ها به‌ویژه بر اقوام و ملیت‌های ساکن ایران، توسط دستگاه حکومت مرکزی چیزی نیست جز دشمنی این رژیم تئوکراتیک با زندگی انسان‌ها در آزادی، آزادگی و برابری با تفاوت‌های جنسیتی، ملیتی، فرهنگی... شان.

جنبش مردمی کنونی، حرکتی سیاسی، اجتماعی و مدنی با ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی نسبت به حرکت‌های اعتراضی سال‌های پیش در ایران است. مبارزات کنونی با اعتراض زنان به حجاب اجباری، با برداشتن و آتش زدن روسری‌ها و به‌طور کلی با شورش بخش‌های گسترده‌ای از آنان و به‌طور کلی از جوانان برای آزادی و رهایی از قید و بندهای دینی-اسلامی و شریعت، که سرشار از تبعیض‌های اجتماعی، جنسیتی، ملیتی... است، آغاز می‌شود. این اعتراضات خیابانی و مسالمت‌آمیز، بنا بر روال طبیعی هر جنبشی در شرایط دیکتاتوری، به سرعت سیاسی می‌شود، گسترده، همگانی و سراسری می‌گردد، قشرها و گروه‌های مختلف اجتماعی، و به‌ویژه این‌بار از میان مردمان فرودست را در بر می‌گیرد. این همه، با شعار مشخص نابود باد رژیم جمهوری اسلامی و با اعلام همبستگی و یکپارچگی جنبش در گونه‌گونی اتنیکی‌شان، از

4- مسأله تشکلیابی جنبش و نفی "رهبری"

جنبش‌های اجتماعی نوینِ امروزی در جهان و همچنین در ایران که سوای دیگر کشورها نیست - با درس‌گیری از ناکامی و ورشکستگی تشکلات سنتی از نوع حزبی، چه چپ و چه راست و با نفی و ردِ تئوریزی که عموماً قدرت‌طلب، انحصارطلب، دولت‌گرا، غیر دموکراتیک و اقتدارگراست، که به صورت عمودی و سلسله‌مراتبی عمل می‌کند - اکنون در جستجوی ایجاد شکل‌هایی نوین و دیگر از سازماندهی برای تغییرات بنیادی اجتماعی می‌باشند. اما چنین امری، به‌ویژه در رژیم‌های دیکتاتوری و استبدادی، چون جمهوری اسلامی ایران، کار سهل و آسانی نیست. این تشکلهای نوین می‌خواهند به صورت افقی و شبکه‌ای عمل نمایند، دموکراتیک، مستقل از دولت و احزاب، خودمختار و خودگردان باشند و سرانجام تنها متکی باشند بر مجامع عمومی خود و پیرو تصمیم‌گیری دموکراتیک این نهادهای جمعی. در یک کلام، این گونه سازماندهی‌های جنبشی تلاش می‌کنند که به دور از شیوه‌ها و عملکردهای سلسله‌مراتبی و اقتدارگرایانه حاکم بر سیستم‌های تشکیلاتی سنتی و حزبی، زندگی و عمل نمایند. این تشکلیابی‌های جنبشی نافی رهبری توسط یک لیدر، دبیر کل، رئیس، کمیته مرکزی، آوانگارد، حزب پیشرو و از این دست می‌باشند.

اما اکنون در مورد وظایف گروه‌ها و سازمان‌های اپوزیسیون ایران در خارج از کشور چه می‌توان گفت؟ این‌ها، از هر دسته و گرایشی، چون در مجموع سال‌ها از میدان اجتماعی، مبارزاتی و عملی در داخل کشور به دور می‌باشند، چون کمترین پایه اجتماعی در داخل کشور دارند، چون به طور کلی دریافتی اقتدارگرا از سیاست و کار سیاسی دارند، چون دولت‌گرا، قدرت‌طلب هستند و بیش از همه به مسأله رهبری، رهبریت، ریاست و تسخیر دولت و قدرت فکر می‌کنند و در این جهت عمل می‌کنند. در پیدایش، شکل‌گیری و رشد جنبش‌های خودجوش امروزی در ایران، نقش قابل توجهی ندارند و نمی‌توانند داشته باشند. اینان نباید در فکر ایجاد رهبری در خارج از کشور باشند که تلاشی بی‌ثمر و موهوم است. اینان نباید دچار وسوسه‌ی ایجاد آلترناتیو‌هایی در خارج از کشور شوند، چون سرهم کردن ساختگی یک دولت‌گذار و امثال آن در چند هزار کیلومتری ایران. این‌ها همه "بَدیل‌های" ساختگی، کاذب و بدون پایگاه اجتماعی در داخل کشور خواهند بود، که تنها می‌توانند خود را متکی و وابسته به دولت‌ها و قدرت‌های خارجی نمایند، ولو این که این دولت‌ها دموکراتیک و

پشتیبان خیزش اعتراضی مردم ایران علیه حکومتشان باشند.

گروه‌ها و سازمان‌های اپوزیسیون خارج کشوری باید کوشش کنند که در درجه اول در داخل کشور و در متن جامعه و جنبش‌های اجتماعی حضور و مشارکت داشته باشند و فعالیت نمایند. در خارج از کشور، وظیفه‌ی آنها تنها می‌تواند و باید امر فراهم آوردن و گسترش پشتیبانی بین‌المللی از جنبش داخل کشور باشد. هم‌چنان که امروزه ما شاهد همبستگی بی‌سابقه جامعه بین‌المللی، نهادهای دموکراتیک و دولت‌های دموکراتیک جهان با مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران هستیم. در خارج از کشور، همکاری، هم‌گرایی و اتحاد میان سازمان‌های ایرانی نزدیک به هم، از سوی جریان‌های جمهوریخواه دموکرات و لائیک، تنها در راستای وظیفه‌ی اصلی پشتیبانی و سازمان‌دهی همبستگی با جنبش داخل کشور می‌تواند معنا داشته باشد و بس!

5- خیزش ایران و آشفتگیِ چپ سنتی

“چپ” ایران (نه تنها در کشور ما بلکه در جهان) به طور عمده هم‌چنان در قالب‌های ایدئولوژیکی، فلسفی، سیاسی و تشکیلاتی گذشته، که م‌لهم و متأثر از سیستم سویتیک و چینی (لنینی - استالینی) است، فکر و عمل می‌کند. این چپ سنتی هنوز گسست قطعی و کامل خود را از آن نظام نظری و عملی به سرانجام نرسانده است. امر سوگ و خاک سپاری آن را به پایان نرسانده است. از این رو نیز هم‌چنان آلوده است به توتالیتاریسم، اقتدارطلبی، قدرت‌طلبی، سکتاریسم، دُگماتیسم، «کارگرپرستی»، دولت‌گرایی (تبدیل سرمایه‌داری خصوص به سرمایه‌داری دولتی) و تصور واهی تسخیر قدرت از راه حزب آوانگارد. در نتیجه، خیزش 1401 مردمان ایران که خواست اصلی‌اش آزادی، دموکراسی و نفی سلطه دینی است چندان با ذهنیت متحجر یا نامتحول چپ سنتی کنار نمی‌آید. از این رو است که بخشی از چپ‌های جهان، از جمله در کشورهای غربی، غافلگیر خیزش کنونی مردم ایران شده‌اند، به ویژه زمانی که می‌بینند در ایران جمهوری اسلامی، زنان روسری‌ها را به آتش می‌کشند و مردمان دین و شریعت را نفی می‌کنند و می‌خواهند در درجه اول به سلطه حکومت مذهبی و اسلامی پایان دهند.

عامل دیگر فروماندن چپ سنتی از ابراز همبستگی استوار با خیزش مردمی کنونی در ایران، دیدگاه جامد این چپ از اوضاع و احوال متفاوت و پرمتحول جهان در چند دهه گذشته در پی فروپاشی

سوسیالیسم واقعاً موجود است. چپ سنتی، در جهان و در ایران، همچنان جهان را به دو دنیای متخاصم، یکی امپریالیستی و دیگری ضد امپریالیستی تقسیم می‌کند. یکی، دنیای امپریالیسم، که شامل غرب (اتحادیه اروپا، انگلستان، ایالات متحده...) می‌شود و دیگری، دنیای ضد امپریالیستی، که بقیه جهان را در بر می‌گیرد. در نتیجه، این نگاه به اصطلاح ضد امپریالیستی، چپ سنتی را در همه جا، می‌کشاند به مماشات و همراهی با دنیایی که از دید او "ضد امپریالیست" است. و این انحراف کشیده می‌شود به مماشات با قدرت‌های بزرگ دیکتاتوری و هژمونی‌طلب جهانی چون روسیه و چین؛ به حمایت از اسلام‌یسم "ضد امپریالیست" و "ضد غرب"، به دفاع از دیکتاتورهای به اصطلاح چپ چون رژیم‌های خودکامه شاوز یا مادورو در ونزوئلا، اورتیگا در نیکاراگوئه و از این دست در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین. در درازای چهل سال گذشته که از استقرار جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد، چپ "ضد امپریالیست" جهانی، به طور عمده، یا از این رژیم "ضد امپریالیست"، که یک دیکتاتوری اسلامی به واقع ضد غربی است، دفاع کرده و یا چشم بر جنایات هولناک آن بسته است. در این رابطه است که می‌توان آشفتگی چپ سنتی را امروز نسبت به خیزش مردم ایران توضیح داد.

نتیجه‌گیری: جنبش مداوم رهایی‌خواهی

جمهوری اسلامی ایران، در ریر ضربه‌های سهمگین شورش اعتراضی مردم، امروزه در وضعیتی قرار گرفته که "سرنگونی رژیم" تنها یک شعار و آرزو نیست، بلکه می‌رود که به واقعیت تبدیل شود. حرکت رو زوال این سیستم را هم اکنون از هر روی، در گستره‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره می‌توان آشکارا مشاهده کرد. در چنین شرایطی، الیگارشی دینی-امنیتی حاکم از کمترین تکیه‌گاه اجتماعی در جامعه برخوردار است. اکثریت بزرگ مردم، در بیشماری و چندگانگی‌شان، به‌ویژه در میان زنان و جوانان، با تظاهرات، اعتصاب‌ها و اعتراضات خیابانی‌شان، آشکارا و بدون ترس اعلام می‌کنند که خواهان برافتادن رژیم کنونی‌اند. رژیمی که به هر ترتیب، با تشدید هر چه عمومی‌تر، ترور، سرکوب و اعدام می‌خواهد حاکمیت و سلطه‌اش را با توسل به جنایت و کشتار ادامه دهد.

جنبش کنونی مردم ایران، تنها با تکیه به نیروی خود، با ادامه و گسترش قدرت خود، با ایجاد یک نقطه اتکا که بر حول آن جریان‌های مختلف مبارزاتی بتوانند جمع و هم‌سو شوند، با تشکل‌پذیری خود توسط خود و به دست در خودمختاری، خودگردانی و خودسازماندهی...

قادر خواهد شد با ایجاد جنبشی پایدار، مقاوم و مداوم در برابر قدرت حاکمه، شرایط فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم آورد. تنها وظیفه اپوزیسیون جمهوریخواه، دموکرات و لائیک خارج از کشور ایجاد یک همبستگی بین‌المللی پایدار و گسترده با خیزش کنونی مردم ایران برای آزادی و دموکراسی چون مبرم‌ترین خواست امروزی است.

کنشگران رهایی‌خواه، که از دیرباز فلسفه و راه خود را به کل از چپ سنتی و توتالیتار جدا کرده‌اند، تنها با طرحی نو، اثباتی و ایجابی نسبت به یک شکل و شیوهی نوین و دیگری از زندگی مشترک در خودمختاری، خودگردانی و استقلال نسبت به دولت و نهادهای قدرت، می‌توانند در شکل‌گیری مناسباتی باری از سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، در تغییر ریشه‌ای اوضاع جامعه‌ی خود و جامعه جهانی نقش ایفا کنند. به بیانی دیگر، با نفی و رد سلطه سرمایه، دولت - حکومت، حاکمیت، مالکیت و دیگر سلطه‌های دینی، جنسیتی و ملی. این امر را نیز باید از هم اکنون در پیش‌گیرند و نه به آینده‌ای نامعلوم واگذار نمایند. در این راستا ست که کنشگران رهایی‌خواه ایران به طور کامل شریک و همراه خیزش مردمی کنونی، به نام **مجلس آزادی‌خواهان ایران**، در کشور خود می‌باشند؛ برای سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی ایران و گذار به یک جمهوری دموکراتیک و لائیک چون گام نخست در راه رهایی.

شیدان وثیق

ژانویه 2023 - دی 1401

cvassigh@wanadoo.fr

ایران سومین زندان بزرگ جهان برای خبرنگاران است



گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز 30 دسامبر 2022

سازمان گزارشگران بدون مرز می‌گوید در طول ۲۰ سال گذشته نزدیک به هزار و ۷۰۰ خبرنگار در سراسر جهان کشته شده‌اند.

این نهاد بین‌المللی در تازه‌ترین گزارش خود با اشاره به این آمار تکان‌دهنده تاکید کرده که دو دهه اخیر برای روزنامه‌نگاران در سراسر جهان به شکل نگران‌کننده‌ای مرگبار بوده است.

بر اساس این آمار سالانه به صورت متوسط بیش از ۸۰ خبرنگار در کشورهای مختلف کشته شده‌اند. کریستوف ولوپر، دبیر کل سازمان گزارشگران بدون مرز در این خصوص می‌گوید: «پشت این اسامی، شخصیت‌ها، استعدادها و تعهد کسانی وجود دارد که جان خود را برای جمع‌آوری اطلاعات، جستجوی حقیقت فدا کرده‌اند.»

عراق و سوریه، خطرناک‌ترین کشورها برای خبرنگاران

این گزارش نشان می‌دهد که سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ تاریک‌ترین سالهای روزنامه‌نگاران طی دو دهه اخیر بوده که تا اندازه زیادی این روزهای تاریک به دلیل جنگ سوریه برای خبرنگاران رقم خورده است. بر اساس گزارش تازه گزارشگران بدون مرز، کشورهای عراق و سوریه، خطرناک‌ترین کشورها برای کار به عنوان روزنامه‌نگاران بوده به طوری که در مجموع ۵۷۸ روزنامه‌نگار در طول ۲۰ سال گذشته در این دو کشور کشته شده‌اند.

پس از این دو کشور، مکزیک با ۱۲۵ کشته، فیلیپین با ۱۰۷، پاکستان با ۹۳، افغانستان با ۸۱ و سومالی با ۷۸ در رده‌های بعدی ناامن‌ترین کشورها برای جان روزنامه‌نگاران معرفی شده‌اند. در این گزارش همچنین آمده که ۸۰ درصد مرگ و میرها در تنها ۱۵ کشور رخ داده است.

ایران سومین زندان بزرگ روزنامه‌نگاران جهان

در بخش دیگری از این گزارش مفصل به وضعیت آزادی بیان در کشورهای مختلف جهان و شرایط روزنامه‌نگاران پرداخته شده که بر اساس آن چین با توجه به حجم بالای سانسور و نظارت همچنان بزرگترین زندان برای روزنامه‌نگاران به شمار می‌رود چرا که در حال حاضر ۱۱۰ خبرنگار در این کشور پشت میله‌های زندان به سر می‌برند. پس از آن میانمار، یعنی کشوری که در حال حاضر عملاً حرفه روزنامه‌نگاری ممنوع است ۶۲ خبرنگار را محبوس کرده است.

در رده سوم اما جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که تنها یک ماه پس از آغاز اعتراضات گسترده به سومین زندان بزرگ اهالی رسانه در جهان تبدیل شد و در حال حاضر طبق آمار سازمان گزارشگران بدون مرز ۴۷ روزنامه‌نگار در ایران زندانی هستند. در این گزارش با اشاره به اعتراضاتی که پس از مرگ مهسا امینی در ایران شکل گرفته، اضافه شده که در این مدت اندک، ۳۴ خبرنگار به ۱۳ خبرنگار دیگری پیوستند که پیش از آغاز اعتراضات سراسری در ایران زندانی بودند.

این گزارش همچنین به صورت مشخص به نیلوفر حامدی، الهه محمدی و نرگس محمدی به عنوان سه زن روزنامه‌نگاری که در «سرزمین ملاها» در خط مقدم حضور دارند، اشاره کرده است. هر سه زن در حال حاضر پشت میله‌های زندان هستند.

در قسمت کشته‌شدگان سال هم به بکتاش آبتین شاعر ایرانی اشاره

شده و او را یکی از روزنامه‌نگاران معرفی کرده که پس از تهیه گزارش‌های میدانی به زندان انداخته شد و در نهایت به دلیل کمبود مراقبت‌های پزشکی جان خود را از دست داد. سازمان گزارشگران بدون مرز می‌گوید این روشی مرسوم از سوی جمهوری اسلامی برای خاموش کردن صدای مخالفان است.

روزنامه‌نگار در روسیه تحت حاکمیت پوتین

این گزارش همچنین به سال ۲۰۲۲ اشاره کرده و نوشته که با حمله نظامی روسیه به اوکراین تعداد کشته‌های روزنامه‌نگاران در این سال افزایش یافته تا جایی که در سال جاری تا کنون ۵۸ خبرنگار در حین انجام وظایف خود کشته شده‌اند. در سال ۲۰۲۱ این عدد ۵۱ بوده است.

از زمانی که روسیه در ۲۴ فوریه تهاجم تمام عیار به اوکراین را آغاز کرد، هشت روزنامه‌نگار در این کشور کشته شده‌اند. این در حالی است که در طول ۱۹ سال پیش از آن در مجموع تنها ۱۲ خبرنگار در اوکراین کشته شده بودند. در حال حاضر اوکراین پس از روسیه که در ۲۰ سال گذشته ۲۵ خبرنگار در آنجا کشته شده‌اند، دومین کشور خطرناک اروپایی برای اهل رسانه است.

گزارشگران بدون مرز در خصوص اقدامات رئیس جمهوری روسیه می‌گوید: «از زمانی که ولادیمیر پوتین در کرملین به قدرت رسید، حملات سیستماتیک فراوانی علیه آزادی مطبوعات در این کشور مشاهده شده است. از جمله این حملات مرگبار می‌توان به قتل آنا پولیتکوفسکایا در ۷ اکتبر ۲۰۰۶ اشاره کرد.»

پولیتکوفسکایا از منتقدان سرسخت پوتین بود و فساد در سطح بالا را در این کشور افشا کرده بود. اما در پاییز سال ۲۰۰۶ و در آپارتمان خود با شلیک ۴ گلوله کشته شد.

قاره آمریکا مرگبارترین قاره برای خبرنگاران

بر اساس گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز، قاره آمریکا خطرناک‌ترین قاره برای حرفه روزنامه‌نگاری به شمار می‌رود. خبرنگاران در سراسر جهان در مناطقی که درگیری مسلحانه در حال روی دادن است، بیشترین خطر را احساس می‌کنند و این اتفاق است که در چندین کشور قاره آمریکا از جمله مکزیک، کلمبیا، برزیل و هندوراس، فراوان مشاهده می‌شود.

با این حال این نهاد بین‌المللی می‌گوید در طول دو دهه گذشته خبرنگاران در کشورهایی که در وضعیت صلح بوده‌اند بیشتر از همکارانشان که در مناطق در حال جنگ زندگی می‌کرده‌اند کشته شده‌اند. این گزارش استدلال کرده که دلیل این مسئله تحقیق روزنامه‌نگاران درباره جنایات‌های سازمان یافته و همچنین پرونده‌های فساد بوده که در نهایت باعث شده جان خود را در این مسیر از دست بدهند.

نگارش از یورونیوز فارسی • به روز شده در: ۳۰/۱۲/۲۰۲۲

تظاهرات 7 ژانویه 2023 در آمستردام-هلند

درگرامیداشت پنجمین سالگرد قیام دیماه ۹۶ و با یاد
جانباختگان این قیام و سومین سالگرد جانباختگان
سرنگونی پرواز هواپیمای اوکراینی و درحمایت و همراهی با
انقلاب مردم ایران آکسیونی فراگرایشی برگزار میگردد



از طرف جمعی از جنبش دادخواهان مقیم هلند

بیانیه

برگزار کنندگان آکسیون ۷ ژانویه ۲۰۲۳
زن زندگی آزادی

پنج سال پیش مردم ، دراعتراض به فقر ، بیکاری ،
گرانی و فساد حکومتی، در بیش از ۱۳۰ شهر کشور،
بمدت ده روز به خیابانها آمدند، این اعتراضات که
ابتدا بدلائل اقتصادی آغاز شده بود بعلت سرکوب شدید
توسط رژیم ، به سرعت سیاسی گردید. و معترضان کلیت
ساختار جمهوری اسلامی را به زیر سؤال برده و با

شعار اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تموم ماجرا، خواهان سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی شدند .

این قیام به سرفصل سرنگونی طلبی مردم ایران، به شکل توده ای و گسترده تبدیل شد و سپس در قیام ۹۷ و ۹۸ مجدداً تکرار شد و اکنون به نقطه بلوغ خود رسیده و نزدیک به چهار ماه است که چشم جهانیان را به خود خیره کرده و نام انقلاب را به گفته جهانیان با خود حمل میکند، انقلابی که میرود، تا کلیت نظام استبداد مذهبی حاکم بر ایران را، به گورستان تاریخ بسپارد.

یاد همه ازجان گذشتگان قیام دیماه و همه مبارزین راه آزادی و عدالت در چهل و چهار سال گذشته را گرامی میداریم.

فردا، هشتم ژانویه ، مصادف است با سومین سالگرد جانباختن ۱۷۶ مسافر و خدمه هواپیمای اوکراینی، که با شلیک عمدی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی سرنگون گردید ، ما ضمن گرامی داشت خاطره این عزیزان از تلاش های انجمن پرواز و خانواده های جانباختگان این جنایت که چیزی بجز تحقق حقیقت و عدالت نیست ، قاطعانه حمایت کرده و بر این باوریم ، تا زمانیکه این حکومت جنایتکار در قدرت قرار دارد ! نه حقیقت این حادثه روشن خواهد شد و نه عدالت اجراء میگردد. تنها راه دادخواهی و رسیدن به حقیقت، عدالت و آزادی، همانا سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی و برقراری حکومتی برآمده از آرای اکثریت مردم می باشد.

همینجا یاد ۱۷۶ مسافر و خدمه هواپیمای سرنگون شده اوکراینی را گرامی میداریم. پیروز باد انقلاب مردم ایران.

جمعی از جنبش دادخواهان مقیم هلند

هفتم ژانویه ۲۰۲۳

